

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث ما درباره پنجمین از مفطرات صوم یعنی الکذب علی الله و علی رسوله و علی الأئمة(ع) بود ، مفطر بودن این مورد در نزد بعضی از فقهای ما مسلم نیست فلذا درباره آن مباحث اجتهادی زیادی هم از لحاظ اقوال و هم از لحاظ روایات مطرح شده است . عرض کردیم که عامه این مورد را مفسد صوم نمی دانند و در میان خاصه دو قول وجود دارد ؛ یکی قول مشهور بین قداما می باشد که قائلند مفسد صوم می باشد ولی قول مشهور در بین متأخرین این است که مبطل صوم می باشد مثلاً صاحب جواهر می فرماید ؛ اقوی این است که مفسد صوم نیست هر چند احوط آن است که باید از آن اجتناب شود و همین طور فقیه همدانی می فرماید ؛ برحسب ادله اقوی این است که مفسد صوم نمی باشد ولی احوط آن است که از آن اجتناب شود ، از این جهت باید روایاتی که در اینجا وجود دارد را مطرح کنیم و درباره آنها بحث کنیم . روایات مربوط به این بحث در باب ۲ از ابواب مایمسک عنه الصائم که در ص ۲۰ از جلد ۷ وسائل ۲۰ جلدی واقع شده اند قرار دارند ، بیشتر روایات این باب از دو نفر نقل شده یکی از ابی بصیر مطلق است که مراد از آن یحیی بن قاسم اسدی می باشد و در بحثمان سه خبر از او نقل شده است که البته باید بگوئیم سه خبر برمی گردد به یک خبر زیرا بعید است که یک نفر سه دفعه از امام سؤال کرده باشد سه دفعه هم جواب شنیده باشد ، و دیگری سماعة بن مهران می باشد که دو خبر از او نقل شده است و در اینجا هم بسیار بعید است که سماعة دو دفعه از امام سؤال کرده باشد و دو جواب شنیده باشد .

خبر اول باب این خبر است ؛ محمد بن الحسن باسناده عن علی بن مهزیار : معلوم است شیخ طوسی در طبقه ۱۲ قرار دارد و این روایت را از کتاب علی بن مهزیار نقل کرده است و اسناد شیخ به علی بن مهزیار صحیح است ، عن عثمان بن عیسی : شکی نیست که عثمان واقفی المذهب است اما در نقل حدیث موثق می باشد و آیت الله خوئی در معجم رجال حدیث جلد ۱۱ ص ۱۲۰ می فرمایند عثمان بن عیسی مورد وثوق می باشد زیرا ابن قولویه و شیخ طوسی و علی بن ابراهیم و ابن شهر آشوب همگی این شخص را توثیق کرده اند فلذا خبر از این جهت موثق است ، عن سماعة : که از طبقه ۴ است و ثقه می باشد ، سماعة یک کتابی داشته که در اول هر بابی اسم امام را می نوشته و بعد

به طور مضمّر سألته و سألته روایت را ذکر می کند و خوب معلوم است که مرادش امام است ولی یکی از مناقشات مخالفین همین است که این خبر مضمّر است و اسم امام در آن برده نشده است و معلوم نیست که خبر از امام باشد ، قال : سألته عن رجل كذب في رمضان ، فقال : قد افطر و عليه قضاؤه ، فقلت فما كذبتة؟ قال: يكذب علي الله و علي رسول الله (ص) . همانطور که می بینید حضرت فرموده اند در صورتی روزه باطل می شود که یکذب علی الله و رسوله(ص) .

خبر دوم باب این خبر است ؛ و باسناده عن الحسين بن سعيد : که از اجلای طبقه ۶ می باشد و اسناد شیخ طوسی به ایشان صحیح می باشد ، عن ابن ابی عمیر : که از اجلای طبقه ۶ می باشد ، عن منصور بن یونس : باز یکی از کسانی که درباره آن منافسه کرده اند همین منصور می باشد ، منصور بن یونس ثقه است و در معجم رجال حدیث هم گفته شده ؛ و ثاققه ثابت ، عن ابی بصیر : که همان یحیی بن قاسم اسدی می باشد ، قال : سمعت أبا عبدالله (ع) يقول : الكذبة تنقض الوضوء و تفطر الصائم ، قال : قلت له : هلكن ، قال : ليس تذهب ، إنما ذلك الكذب علي الله و علي رسوله و علي الأئمة(ع) . یکی از مناقشات دیگر این است که در این روایات گفته شده همانطوری که دروغ روزه را باطل می کند وضو را هم باطل می کند ، فلذا به همین خاطر است که ما می گوئیم مسئله مانحن فیه بسیار بحث مهمی می باشد چون مطالبی در اینجا وجود دارد که در مباحث دیگر مطرح نیست که یکی همین است که در اینجا دو جمله گفته شده که جمله اول این است که کذب وضوء را باطل می کند در حالی که ما قائلیم کذب وضوء را باطل نمی کند البته سنی ها خیلی چیزها را مبطل وضو می دانند که ما آنها را مبطل نمی دانیم ، دلالت این خبر بر مسئله مانحن فیه واضح است چرا که حضرت فرموده اند فقط کذب بر خدا و رسول و ائمه(ع) روزه را باطل می کند . نکته ای که درباره این روایت باید عرض کنیم آن است که صدوق در نقل این روایت کلمه نقض وضو را ذکر نکرده و همچنین کلینی (ره) هم در یک جا نقل کرده و در جای دیگر این کلمه را نقل نکرده و همین راه را برای ما باز می کند که شاید این کلمه اضافه باشد زیرا کلینی که بسیار دقیق است این کلمه را نیاورده و همچنین صدوق هم آن را ذکر نکرده .

خبر سوم باب این خبر است ؛ وعنه : که بر می گردد به اسناد شیخ طوسی از علی بن مهزیار ، عن عثمان عیسی ، عن سماعة قال : سألته عن رجل كذب في شهر رمضان ، فقال : قد أفطر و عليه

روایات این اخبار موثق نیستند مثلاً در خبر اول ما خیلی سرسخت گفتیم که عثمان بن عیسی واقفی المذهب می باشد اما آیت الله خوئی و بعضی دیگر او را موثق می دانند ، البته در اینجا مبناها خیلی با هم فرق می کند مثلاً صاحب معالم و صاحب مدارک و شهید ثانی قائلند آن اخباری حجت هستند که روایت آن صد در صد عادل و امامی المذهب باشند فلذا کسی را که واقفی و یا فطحی المذهب باشد ولو اینکه موثق باشد قبول ندارند البته آقای بروجردی (ره) این مبنی را قبول نداشتند و می گفتند ما از جهت حصول اطمینان اخبار را حجت می دانیم فلذا اگر شخصی واقفی یا فطحی و یا زیدی المذهب بود ولی راستگو و مقید به راستگویی بود اشکالی ندارد ، بنابراین اشکال اول این است که طبق مبنای بعضی ها باید راوی عادل باشد و بعد گفته اند عدالتش هم به شهادت دو نفر عادل دیگر ثابت می شود فلذا از نظر رجالی این ها وثاقت بعضی از افراد را که در این روایت آمده اند قبول ندارند ، و اما دومین نفری که در آن مناقشه شده و علامه در تذکره هم بر او مناقشه کرده منصور بن یونس می باشد فلذا از نظر این دسته از فقهای ما اخباری که از سماعة و ابی بصیر نقل شده اند به دلیل وجود منصور و عثمان در آنها ضعیف اند و حجت نیستند فلذا فرموده اند این نوع از کذب مبطل روزه نمی باشد ، اما دسته دیگری از علما طبق مبنای خودشان فرموده اند منصور و عثمان موثق می باشند ولو اینکه واقفی و فطحی المذهب هستند .

دومین اشکال و مناقشه ای که به این اخبار وارد است این است که این اخبار مشتمل بر چیزی هستند که لم یقل به أحد الفریقین و آن اینکه این نوع از کذب وضوء را هم باطل می کند فلذا این اشتغال باعث شده همه از آن اعراض کنند و به آن عمل نکنند موجب شده که خبر از حجیت بیافتد ، عده ای در جواب گفته اند این جمله در تمام اخبار وجود ندارد بلکه در بعضی از نقلها آمده و در بعضی دیگر نیامده است ، خوب حالا یک بحثی در اینجا وجود دارد و آن اینکه آیا اصل عدم الزیادة است یا اینکه اصل عدم التقیصه است؟ یعنی اگر یک جا چیزی هست و در جای دیگر نیست کدام مطابق اصل می باشد آیا اصل این است که چیزی اضافه نکنند یا اینکه اصل آن است که چیزی کم نکنند؟ آن دسته از فقها که قائل بودند این نوع از کذب صوم را باطل می کند گفته اند که اگر یک خبر دو جمله داشت و یک جمله از آن قبول نشد دلیل بر این نیست که جمله دیگر از حجیت بیافتد چرا که ما خیلی از اخبار را داریم که چند جمله دارند و فقهای ما به بعضی از جمله های آن عمل نکرده اند مثلاً گفته شده ؛ إغتسل ، یجب الغسل للجنازة

قضاؤه و هو صائم یقضى صومه و وضوءه إذا تعمد الکذب . دلالت این خبر هم روشن است و در این خبر هم لفظ وضوء آمده است . خبر چهارم باب این خبر است : « محمد بن علی بن الحسین باسناده عن منصور بن یونس ، عن أبی بصیر، عن أبی عبد الله(ع) إن الکذب علی الله و علی رسوله و علی الائمة(ع) یفطر الصائم » . اسناد شیخ طوسی به منصور صحیح می باشد و بعلاوه اینکه در این روایت دیگر لفظ وضوء ذکر نشده .

خبر ششم این باب این خبر است : « و فی الخصال عن محمد بن الحسن ، عن الصفار ، عن احمد بن ابی عبد الله(احمد بن محمد بن خالد برقی) عن ابيه باسناده رفعه الی ابی عبد الله(ع) قال : خمسة اشياء تفطر الصائم : الأكل و الشرب و الجماع و الارتماس فی الماء و الکذب علی الله و رسوله و علی الائمة(ع) » . این خبر هم بر مانحن فیه دلالت دارد منتهی سندش مرسل می باشد .

خوب حالا بحث در این است که ما از این اخبار به این ترتیب چه استفاده ای باید بکنیم ، صاحب جواهر در جلد ۱۶ جواهر ص ۲۲۳ اول از ریاض نقل می کند که بلاخلاف الکذب علی الله و رسوله و الائمة(ع) روزه را باطل می کند و بعد می گوید این بلاخلاف یعنی شکی نیست که ذاتاً حرام است منتهی کسانی که می گویند روزه را باطل می کند قائلند که از دو جهت حرام است اول اینکه با صرف نظر از روزه باز هم ذاتاً این نوع از کذب حرام می باشد و دوم از این جهت حرام است که روزه را باطل می کند ، بعد صاحب جواهر از شیخین نقل می کند که روزه را باطل می کند و بعد در ادامه از سید مرتضی در انتصار نقل می کند که روزه را باطل می کند و از کتاب دیگر سید یعنی جمل العلم و العمل نقل می کند که روزه را باطل نمی کند ، خلاصه صاحب جواهر بعد از نقل اقوال در آخر بحث می گوید این نوع از کذب روزه را باطل نمی کند هر چند احوط آن است که از آن اجتناب شود . فقیه همدانی در ص ۳۸۱ از جلد ۱۴ مصباح الفقیه می فرماید ؛ بر حسب ادله اقوی عدم بطلان صوم می باشد منتهی احوط اجتناب از آن می باشد . مرحوم نراقی در مستند الشیعه جلد ۱۰ ص ۲۵۱ می فرماید ؛ این نوع از کذب مبطل روزه است و موجب قضا و کفاره هم می باشد . صاحب ریاض در جلد ۵ ص ۳۴۱ می فرماید مبطل صوم است و موجب قضا و کفاره هم می باشد .

خوب اقوال و اخبار مربوط به بحث را خواندیم ، چند اشکال و مناقشه بر این اخبار وارد است ؛ اول اینکه از لحاظ علم رجال چند تن از

شویم به اینکه حق با کسانی است که می گویند این نوع از کذب روزه را باطل می کند

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی
محمد و آله الطاهرین

والجمعة؛ ظاهر این جمله این است که هم غسل جمعه و هم جنابت واجب است ولی فقهای ما گفته اند غسل جنابت واجب است و غسل جمعه واجب نیست پس اگر یک خبری دو الی سه جمله داشته باشد اگر یک جمله از آن مورد اعراض واقع شد و به آن عمل نکردند باعث نمی شود که جملات دیگر آن از حجیت بیافتند زیرا هر خبری و هر جمله ای حاکی یک حکمی از معصوم می باشد که اگر یکی از لحاظ دلالت و سند مخدوش شد در آن دیگری اثر نمی گذارد، خلاصه در اینجا اجتهاد خیلی کارایی دارد و تمام این مطالب که تا به حال عرض شد باید بررسی شوند.

و اما سومین اشکال و مناقشه ای که در اینجا مطرح است این است که گفته شده که ما روایاتی داریم که مبطلات صوم را منحصر کرده اند و آنها را یک به یک نام برده اند ولی این مورد در آنها ذکر نشده فلذا این انحصار دلالت بر این دارد که این نوع از کذب مبطل نیست، البته در جواب این اشکال گفته شده که این روایات در مقام حصر حقیقی نیستند بلکه حصر در اینجا اضافی می باشد زیرا مثلاً ارتماس فی الماء در این اخبار ذکر نشده است ولی ما بعداً بحث خواهیم کرد که مبطل صوم می باشد، بنابراین اگر این مناقشات را جواب بدهیم که می دهیم باید بگوئیم که کذب علی الله و رسوله و الائمه (ع) صوم را باطل می کند و إلا فلا، البته باید توجه داشته باشیم که ما یک فقه به سبک آیت الله بروجردی داریم و یک فقه به سبک صاحب جواهر و فقیه همدانی داریم که ایندو خیلی با هم فرق می کنند، آقای بروجردی عظمت خیلی زیادی برای کلام شیخ طوسی و امثال آن قائل بودند و می گفتند اگر در واقع این نوع از کذب روزه را باطل نمی کرد نباید شیخ طوسی و شیخ مفید و امثال اینها متعرض به آن می شدند پس شهرت قدما خیلی مهم است، اما صاحب جواهر بیشتر شهرت متأخرین را تقویت می کند فلذا حضرت امام رضوان الله علیه می فرمودند صاحب جواهر لسان المشهور می باشد و فتوایی را بر خلاف مشهور از متأخرین بیان نمی کند، به نظر بنده سبک آقای بروجردی اطمینان بیشتری حاصل می کند و ظاهر این است که حق با کسانی است که قائل به بطلان صوم هستند و وقتی که باعث بطلان صوم شد قضا و کفاره هم دارد. البته در اینجا هر دو طرف تمسک به اصل می کنند، کسانی که قائل به بطلان صوم هستند به اصل احتیاط تمسک کرده اند و طرف دیگر که قائل به عدم بطلان صوم هستند به اصل برائت تمسک کرده اند ولی ظاهراً با وجود روایات تمسک به اصل جایی ندارد و بالاخره به نظر بنده ما نمی توانیم از شهرت قدما در اینطور جاها صرف نظر کنیم فلذا باید قائل